

اسلام و جهانی‌گرایی

دکتر محمد ابراهیم ساعدی رودی
دانشجوی مقطع دکترای
تفسیر و علوم القرآن

«جهانی شدن» ترجمه تحت اللفظ واژه فرانسوی **Monodialisat** و واژه انگلیسی **Globalization** است که بر جهانی شدن آنچه محلی است دلالت دارد، به طور یکسان و در تمام ابعاد، چه اقتصاد باشد یا سیاست یا فرهنگ یا برداشت‌های دینی و یا چیزی دیگر.

تعاریف متعددی درباره جهانی شدن ارائه گردیده است و تعریفی که مورد اتفاق همه باشد وجود ندارد. عده‌ای از دانشمندان و نظریه‌پردازان آن را تلاشی در راستای از بین بردن سریع مسافات در عرصه حمل و نقل کالا، سرمایه، افراد، معلومات، افکار، ارزش‌ها و غیره می‌دانند.

از آنجا که واژه انگلیسی جهانی شدن برای نخستین بار در آمریکا استعمال گردید و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خالی شدن عرصه جهانی برای یکه‌تازی و قلدری آمریکا، اصطلاح جهانی شدن توسط آمریکا در طی جنگ خلیج فارس و بسیج نیروهای جهانی به سرکردگی آمریکا علیه عراق، بر سر زبان‌ها افتاد. در واقع هدف آمریکا این است که جهان از نظر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و برداشت‌های دینی تسلیم محض غرب و به ویژه آمریکا گردد.

جهانی شدن به این معنی یعنی آمریکایی شدن یا غربی شدن، به این معنی که غرب خواستار رنگ کردن جهان مطابق الگوهای خویش است و قطعاً سردمدارش آمریکاست.

از اینجاست که بعضی از جمله «لایبزوکتز» جهانی شدن را به معنی سلطه بی‌چون و چرای تمدن غرب می‌دانند و «جان اسپوزیتو» از جهانی شدن به عنوان یک خطر و تهدید بالقوه در راستای آمریکایی شدن یاد می‌کند.

پس از این مقدمه، می‌توان برخی از پدیده‌های مهم جهانی شدن را به صورت زیر بیان نمود:

جهانی شدن سیاست: بالاترین درجه ارتباطات سلطه‌گرانه به معنی قبول سیاست نیروی بزرگ و تنها قطب جهان (آمریکا) از سوی همه.

جهانی شدن اقتصاد: قرار گرفتن جهان در قبضه نظام سرمایه‌داری به رهبری آمریکا و تبدیل جهان به بازاری آزاد که هیچ‌گونه موانعی در عرصه‌های تولید و توزیع آن وجود ندارد.

جهانی شدن اقتصاد رقابت صنایع داخلی با صنایع پیشتاز جهانی را به دنبال دارد! و در عرصه بین‌المللی این جهانی شدن به سود ملل پیشرفته ولی با هزینه ملت‌های در حال توسعه و در عرصه داخلی به سود طبقات بالا ولی با هزینه توده‌های ضعیف تمام می‌شود.

گردانندگان اقتصاد جهانی در پی آنند تا ققرا را در زیر سایه اغنیا قرار دهند و این یک نوع دعوت به بردگی برای ثروتمندان است تا هر آنچه آنها می‌گویند، درست و حق جلوه کند. بنابراین اگر چه ما

دارای استقلال سیاسی هستیم ولی از نظر اقتصادی بردگان غرب هستیم.

جهانی شدن فرهنگ: ادغام فرهنگ‌های ملی ملت‌ها در فرهنگ واحد غربی به ویژه آمریکا - که فرهنگش لائالی‌گری و بی‌بندوباری را ترویج می‌کند - البته پس از تخلیه هویت جمعی آن ملل از تمام محتویات آن.

جهانی شدن دین یا برداشت‌های دینی: سوق دادن جهان به سوی مسیحیت یا برداشت‌های دینی مسیحی مثل ثنویت خدا و قیصر.^(۱)

مشهورترین تحقیقات استراتژیک

در مورد جهانی شدن و چگونگی سوق آمریکا

به سوی مبارزه با اسلام

۱/ فوکویاما و کتاب «پایان تاریخ»؛

مارکسیست‌ها زمانی می‌گفتند که قانون نزاع بین ضد و نقیض پیوسته در جهان جاری خواهد بود تا اینکه طبقه کارگر (کمونیست‌ها) به حکومت برسند و زمام امور را از سرمایه‌داران و بورژواها بگیرند و در آن موقع است که همه قراردادها منحل شده و همه اختلافات دینی، خانوادگی و قومی پایان پذیرد و افراد در سایه مساوات کامل بسر ببرند و تاریخ در این نقطه متوقف می‌شود و هیچ حرکتی به جلو و عقب ندارد!

این همان بهشت موعود کمونیست‌ها بود که هرگز به آن نرسیدند و بر خلاف رؤیاهایشان تاریخ در مرحله‌ای مشخص متوقف نگشت، بلکه آنان را سرکوب و پایمال کرد و به زیاله‌دانش انداخت.

در سال ۱۹۹۳ م فرانسیس فوکویاما، متفکر آمریکایی (ژاپنی الاصل) جهان را با کتاب «پایان تاریخ» غافلگیر کرد.

به نظر او پس از شکست اردوگاه کمونیسم، تاریخ به سود نیروهای سرمایه‌داری، لیبرال دمکرات و اقتصاد بازار آزاد خاتمه یافت و سیر تاریخ به آخر رسید!

لازم به ذکر است که این کتاب بر پایه فرضیه‌ای بنا می‌گردد که مستند به هیچ دلیل محکم علمی یا منطقی یا حقیقی نمی‌باشد، چون شکست کمونیسم و نظام اقتصادی - سیاسی اش دلیل درست بودن طرف مقابل یعنی سرمایه‌داری

لیبرالیستی نیست.

متأسفانه فوکویاما از نظام دیگری که نه سرمایه داری است و نه کمونیستی، نه دیکتاتوری است و نه لیبرالیستی، بلکه جامع نکات مثبت هر دو نظام می‌باشد و از نکات منفی آن دو دوری نموده و بر پایه میانه روی و توازن بنا شده است و میان روح و ماده، واقعیت و آرمان، خدا و بشر، فرد و اجتماع، دنیا و آخرت، آزادی و التزام، وحی و خرد، نص و اجتهاد، حقوق و وظایف، و ثبات و تغییر جمع نموده است و رحمتی برای جهانیان، هدایتی برای گمراهان و صلح و عدالت برای همه است، غفلت ورزیده که همانا آن، نظام کامل و متکامل اسلام است.^(۲)

۲/ هاتینگتون و کتاب «تبرد تمدن‌ها»؛

دو سال پس از اینکه فوکویاما - بدون اجازه خدای زمان و جهان - تاریخ را به نفع نظام لیبرال دمکرات سرمایه‌داری پایان داد، «ساموئل هاتینگتون» استاد علوم سیاسی «دانشگاه هاروارد» است که با کتاب «برخورد تمدن‌ها» جهان را وحشت‌زده ساخت.

طبق تفکر هاتینگتون با شکست اردوگاه کمونیسم تاریخ به پایان نرسیده و برخورد در آن همچنان باقی است و علت آن اختلاف و تناقض تمدن‌ها یا فرهنگ‌هاست که هر تمدنی می‌کوشد وجودش را اثبات و جهان‌بینی خود را به دیگران تحمیل کند.

به نظر نویسنده کتاب «برخورد تمدن‌ها»، تمدن‌هایی که احتمال نزاع در میانشان است عبارتند از: تمدن غرب، تمدن کنفوسیوس (چین)، ژاپن، اسلام، هند، ارتودکس، آمریکای لاتین و شاید تمدن آفریقا که عنصر دین در ورای این دسته‌بندی پنهان است، هر چند جز در قبال دو تمدن اسلام و ارتودکس صراحتاً از آن اسم نبرده است؛ ولی اعتراف کرده است که دین بیشترین تأثیر را در تکوین و ایجاد تمدن‌ها و فرهنگ‌ها دارد.

۱- ر.ک. اسلام و جهانی شدن، دکتر قرضاوی، ترجمه موسی تیموری قلعه نوی، انتشارات سنت، ص: ۱۱-۱۲ و ۲۳ و ۲۹-۳۰ و ۵۳ و ۹۰ و نشریه صریح، شماره سوم، پاییز هشتاد، مقاله یوسف ارباب به نقل از العولمة و مستقبل العالم الإسلامی، فتحی یکن و رامز طنبور و روزنامه حیات نو، ۲۹/۶/۱۳۸۰، ص: ۳.

۲- ر.ک. اسلام و جهانی شدن، پیشین، ص: ۱۳۱-۱۳۴.

■ به نظر

فرانسیس

فوکویاما پس از

شکست اردوگاه

کمونیسم، تاریخ

به سود نیروهای

سرمایه‌داری،

لیبرال دمکرات و

اقتصاد بازار آزاد

خاتمه یافت و

سیر تاریخ به

آخر رسید!

هائیتینگتون در نبرد تمدن‌ها بیان می‌دارد که تقارب و تفاهم با سایر این تمدن‌ها آسان است مگر دو تمدن سبز (اسلام) و زرد (کنفوسیوس) و دست آخر تقارب با کنفوسیوس را ممکن دانسته و اسلام را یگانه تمدن سرکش و نافرمانی دانسته است که باید با آن برخورد کرد.^(۱)

متأسفانه آقای هائیتینگتون پیوند میان تمدن‌ها را بر اساس برخورد و نبرد نهاده است، در حالی که اسلام وجود دو عنصر زن و مرد و وجود ملت‌ها و قبایل مختلف را برای رویارویی یا برتری یکی بر دیگری نمی‌داند، بلکه این تفاوت‌ها را زمینه‌ای برای شناخت قرار داده است تا در سایه شناخت ویژگی‌ها، نیازها، وظایف و حقوق خود یکدیگر را به رسمیت بشناسند و با هم ارتباط برقرار نمایند:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عند الله اتقاکم»^(۲)؛ ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است.

گفتگوی تمدن‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام به جایی می‌رسد که به فرمان خداوند، پیامبر گرامی اسلام، علی‌رغم ایمان به حقانیت دعوت و رسالتش، مشرکان را این چنین مورد خطاب قرار می‌دهد:

«و انا او ایاکم لملی هدی او فی ضلال مبین»^(۳)؛ و قطعاً یا ما (مؤمنان) یا شما (مشرکان) بر هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم.

و به این ترتیب نظریه پردازان پر نفوذی مثل هائیتینگتون یهودی^(۴) توانستند سردمداران آمریکا را که غالباً پروتستان بوده و تربیت دینی آنان برگرفته از نصوص کتاب مقدس (تورات و انجیل) و متضمن اعتراف به اسرائیل و حمایت از آن است، متقاعد سازند که اسلام بزرگترین مانع بر سر راه جهانی سازی و رهبری آمریکا بر جهان است.

حمایت بی دریغ و همه جانبه آمریکا از اسرائیل که نمادی از الگوی غربی در شرق است؛ حمله نظامی آمریکا به افغانستان برای سرکوبی حرکت‌هایی که منافع آمریکا را هدف قرار می‌دادند؛ حمله به عراق برای تسلط بر نفت خاورمیانه و به دست گرفتن

هائیتینگتون در نبرد تمدن‌ها بیان می‌دارد که تقارب و تفاهم با سایر این تمدن‌ها آسان است مگر دو تمدن سبز (اسلام) و زرد (کنفوسیوس) و دست آخر تقارب با کنفوسیوس را ممکن دانسته و اسلام را یگانه تمدن سرکش و نافرمانی دانسته است که باید با آن برخورد کرد.

شاهرگ اقتصادی جهان و کنار زدن بقیه کشورهای قدرتمند از سر سفره خاورمیانه و احتکار این ماده استراتژیک، تهدید ایران و سوریه و... در راستای توسعه طلبی و تسلط بر جهان است.

با نگاهی گذرا به برخی از اهداف حقیقی آمریکا در حمله به عراق این موضوع برای ما روشن‌تر می‌شود:

۱- شوک وارد کردن به اقتصاد ورشکسته آمریکا که از کساد و پایین آمدن ارزش دلار و افزایش بیکاری رنج می‌برد؛

۲- تضمین امنیت اسرائیل و حفاظت برتری نوعی آن بر کشورهای منطقه و از بین بردن نقش آینده عراق در نبرد با اسرائیل و حل ریشه‌ای مسئله فلسطین با اسکان فلسطینیان در اردن و بعضاً در عراق؛

۳- تضمین سرارزیر شدن نفت خاورمیانه به بازارهای غربی با قیمتی که آمریکا تعیین می‌کند؛

۴- محاصره کشور سوریه و سوق دادنش به سوی سازش با اسرائیل و عقب نشینی از لبنان؛

۵- کامل کردن محاصره ایران از غرب، بعد از محاصره آن از جهات دیگر و درست کردن بهانه برای دخالت در امور داخلی ایران و تحریک گروه‌ها و جناحهای مختلف علیه یکدیگر تا ایران به سوی آمریکا سوق داده شود یا موقعیت مناسبی برای ورود به ایران مثل افغانستان و عراق فراهم شود؛

۶- به دست گرفتن سکان کشورهای صنعتی از طریق تسلط بر منافع نفتی منطقه؛

۷- به کرسی نشاندن دیدگاه‌های آمریکایی برای حل بحران‌ها و کنار زدن سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی.^(۵)

۱- ر.ک. همان، صص: ۱۳۵-۱۴۱.

۲- حجرات: ۱۳. ۳- سبا: ۲۴.

۴- جالب اینجاست که فوکویاما و هائیتینگتون، هر دو، نامه‌ای را که شصت تن از روشنفکران و صاحب‌نظران آمریکا در توجیه جنگ طلبی آمریکا در جهان و حمله به عراق نگاشتند، امضاء کردند. ر.ک. سایت اینترنتی islam-online.net البته باید بدانیم که سه گروه در آمریکا خواهان حمله به عراق بودند: ۱- یهود ۲- دست اندرکاران تولیدات نظامی و اسلحه ۳- دست اندرکاران نفت.

۵- ر.ک. هفته‌نامه کویتی «المجتمع»، ۲۰۱۳ م، مقاله ابراهیم

پرسش هایی که در اینجا مطرح می شود از این قرار است:

الف: آیا آمریکا همچنان ابرقدرت جهانی خواهد بود؟

ب: آیا آمریکا به اهداف توسعه طلبانه اش در تسلط بر جهان خواهد رسید و جهانی شدن - از دیدگاه آمریکا - اجرا خواهد شد؟

ج: آیا آمریکا بعد از عراق به کشورهای دیگر حمله خواهد کرد؟

د: آیا آمریکا در مبارزه اش با اسلام پیروز خواهد شد؟

در این نوشتار سعی ما بر آن است که در پرتو سنت های الهی به صورتی گذرا به این پرسش ها پاسخ گوئیم.

سنت فناپذیری: (۱) و فروپاشی آمریکا

در واقع قدرت ها، حکومت ها، نظام ها و دولت ها هم مثل انسان ها و بقیه موجودات دوران های مختلف زندگی را پشت سر می گذارند. تولد و ظهور، نقطه آغاز همه به شمار می آید، ولی زمان و کیفیت دوره های مختلف زندگی مثل کودکی و نوجویی، جوانی و قدرتمندی، پیری و ناتوانی، به نسبت هر یک از موجودات متفاوت است.

البته همانطور که مرگ زودرس به علی انسان و سایر موجودات را از پای در می آورد، سقوط و فروپاشی هم دامنگیر قدرت ها و نظام ها می شود و یاد آنها به تاریخ می پیوندد.

ایالات متحده آمریکا هم از این قاعده مستثنی نیست و چنان که پیداست پیکر پیر و فرتوتش آماج حملات امراض داخلی و خارجی قرار گرفته است. گر چه پیشرفت های تکنولوژی آمریکا، دیده ها را خیره کرده است؛ ولی این امراض چون خوره به جانش افتاده و او را با پیشرفت هایش تهدید می کند.

عوامل فروپاشی آمریکا

درگیری های نژادی: جامعه آمریکا به لحاظ اجتماعی از هم گسیخته است و درگیری های خونین میان سفید پوستان و نژادهای دیگر مثل سیاه پوستان و سرخ پوستان و رنگین پوستان مؤید این امر است.

مواد مخدر و مشروبات الکلی: آمریکا یکی از بزرگترین بازارهای مصرفی و تجاری مواد مخدر در جهان است، در مورد مشروبات الکلی هم آمریکا حرف اول را در جهان می زند.

ایدز: ایدز آمریکا را از نظر روانی و اجتماعی از پای در آورده است و علی رغم خیر ساخت داروهای جدید برای مبارزه با ایدز در آمریکا، دانشمندان هم چنان حیرت خود را از انتشار دامنه دار ایدز و مقاومت آن در برابر داروهای ابراز می دارند.

زندان ها و پانزدها: تعداد زندان ها و سلول های انفرادی در آمریکا از هر کشوری بیشتر است.

زندان های آمریکا تحت شدیدترین تدابیر امنیتی اداره می شود و بدترین برخورد با زندانیان می شود. میلیون ها زندانی در آمریکا وجود دارد و هفته ای نیست که در یکی از ایالت های آمریکا حکم اعدام اجرا نشود. اعمال تروریستی، خشونت های اجتماعی، انهدام اخلاقی و فروپاشیدن خانواده ها، این دادگاه ها را تغذیه می کند.

مهاجران و پناهندگان: مهاجران و پناهندگان سختی های فراوانی را برای ذوب شدن در جامعه آمریکا از بابت شغل یا کارت هویت و یا حمایت متحمل می شوند. آمریکایی ها آنان را تحقیر می کنند و پست ترین کارها را به آنان می دهند، حکومت آمریکا مناطق ویژه ای، دور از شهرها را به آنان اختصاص داده است، این مناطق محروم و عقب مانده است، تعداد طبقه متوسط در آمریکا روز به روز کم شده و فاصله میان ثروتمندان و فقیران روبه فزونی است و دولت آمریکا از افزایش آمار آوارگان و متکدیان که جز مصرف کاری دیگر ندارند در هراس است.

رکود بازار اسلحه: کارخانه های اسلحه سازی آمریکا یکی پس از دیگری ورشکسته می شوند و علت اصلی این امر عدم وجود بازارهای خارجی متقاضی اسلحه است، و همانا خوی جنگ طلبی

درویش

۱- فناپذیری یکی از سنت های الهی در جهان هستی است که از آیات زیادی استنباط می شود، از آن جمله آیه: «کل شیء هالک الا وجهه» (الفصص: ۸۸) و آیه: «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام»، (الرحمن: ۲۶-۲۷).

■ همانطور که مرگ زودرس به علی انسان و سایر موجودات را از پای در می آورد، سقوط و فروپاشی هم دامنگیر قدرت ها و نظام ها می شود و یاد آنها به تاریخ می پیوندد. ایالات متحده آمریکا هم از این قاعده مستثنی نیست.

حمله نظامی می کند و هر کشوری را که بخواهد تحریم اقتصادی می کند و هر کشوری را که بخواهد در لیست سیاه تروریست ها جا می دهد و کسی پیدا نمی شود که در مقابلش قد علم کند.

بدون توجه به قوانین انسانی و معیارهای بین المللی انسان ها را در جزیره گوانتانامو به غل و زنجیر می کشد و هر چه بخواهد با آنها می کند؛ برخی را می کشد و برخی را آزاد می کند و چون نمرود هر آن فریاد می زند: «انا احیی و امیت» غافل از این که قدرتی مافوق قدرتش وجود دارد که از کردار ظالمان غافل نیست: «و لا تحسبن الله غافلاً عما يعمل الظالمون»^(۳)؛ و گمان میر که خدا از کردار ظالمان بی خیر است به راستی تاریخ شاهد قدرتهایی چون آمریکا و رؤسای چون سردمدارانش بوده است که در آنی از صفحه هستی حذف و به تاریخ پیوسته اند.

همانا حکمت الهی اقتضا می کند که گاهی انتقام از ستمکاران به تأخیر بیافتد ولی خداوند هرگز انتقام را از یاد نمی برد. بیاید با هم سرانجام قلدران و ستمکاران تاریخ را مرور کنیم و ببینیم که عاقبت آنها به کجا انجامید:

«ألم ترکیف فعل ربک بعاد ○ إرم ذات العماد ○ التي لم یخلق مثلها فی البلاد ○ و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد ○ و فرعون ذی الأوتاد ○ الذین طغوا فی البلاد ○ فأکتروا فیها الفساد ○ فصب علیهم ربک سوط عذاب ○ ان ربک لبالمرصاد»^(۴)؛ آیا نمی دانی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (و چه بلایی سرشان آورد؟) همان عاد ارم که صاحب قامت های بلند همچون ستون بودند. کسانی که همانند ایشان در شهرها آفریده نشده است؛ و با قوم ثمودی که صخره ها را در وادی قری تراشیده بودند (و در دل کوه ها خانه ها و کاخ ها می ساختند) و با فرعون صاحب سپاه. همان اقوامی که در شهرها سرکشی

آمریکا در جهان در راستای بازاریابی برای اسلحه های کارخانه های آمریکا است.

تکیه بر خیره های بیگانگان تکیه دارد. در زمینه سخت افزارها و نرم افزارهای الکترونیکی وابسته به ژاپنی هاست که در مقابل پول و تابعیت آمریکایی آنها را خریده است. در زمینه های اتمی و هسته ای، از دانشمندان روسی، که قبلاً در مراکز پژوهشی اتمی اتحاد جماهیر شوروی کار می کرده اند، استفاده می کند. در زمینه ماشین های سنگین و تولیدات جنگی بر اروپاییان و به ویژه آلمانی ها تکیه دارد. در زمینه پزشکی و آزمایشگاهی بر دیگر اقلیت ها تکیه دارد.^(۱)

یهود (ام الفساد): مهمترین تهدید برای فروپاشی آمریکا یهود است، این قوم مادر فساد در روی زمین اند. یهودیان در هر کشوری که مستقر شوند بر اقتصادش مسلط شده، منابع ملی اش را به چنگ می آورند و چون انگل به جانش می افتند و آن کشور را به فساد می کشند، تاریخ اروپا در چند قرن اخیر بزرگترین گواه مدعای ما در این خصوص است.

در سال ۱۷۸۹ بنیامین فرانکلین رئیس جمهور آمریکا پس از تدوین قانون اساسی طرحی را تقدیم نمایندگان مجلس نمود که در آن آمده است: «از شما می خواهم که به نص قانون، یهودیان را از آمریکا اخراج کنید و گرنه در آینده برگرده ملت ما سوار خواهند شد و آنان را به نابودی خواهند کشاند، و دوست سال دیگر سرنوشت نوادگان ما کار در باغ های یهودیان خواهد بود و فرزندان و نوادگان ما را در قبرمان نفرین و لعنت می کنند».^(۲)

اینک یهودیان که حدود سه درصد آمریکاییان را تشکیل می دهند، حدود هفتاد درصد ثروت آمریکا را در اختیار دارند و بر اثر فشارهای لابی صهیونیستی کمک های نقدی و بلاعوض آمریکا به اسرائیل سالانه به حدود چهار میلیارد دلار می رسد.

ان ربک لبالمرصاد: اینک قلدری آمریکا به اوج خود رسیده است و رئیس جمهور آمریکا ادعای خدایی می کند و فرعون گونه هر روز ندای «انا ربکم الاعلی» را سر می دهد و به هر کشوری که بخواهد

■ ایبـنک
یهودیان که حدود سه درصد آمریکاییان را تشکیل می دهند، حدود هفتاد درصد ثروت آمریکا را در اختیار دارند و بر اثر فشارهای لابی صهیونیستی کمک های نقدی و بلاعوض آمریکا به اسرائیل سالانه به حدود چهار میلیارد دلار می رسد.

۱- این بیگانگان هیچ تمهیدی به آمریکا ندارند و هر آن احتمال خیانت به آمریکا از طرف آنها وجود دارد، به عنوان مثال پدر بمب اتمی پاکستان در زراد خانه های اتمی آمریکا مشغول کار بود که از آنجا فرار کرد و اسرار هسته ای را با خود به پاکستان آورد و زرادخانه اتمی پاکستان را راه اندازی کرد.

۲- قدس آرمان هر مسلمان، دکتر فرضاوی، ترجمه محمدابراهیم ساعدی، انتشارات سنت، ص: ۱۳۵، با اختصار.

۳- ابراهیم: ۴۲. ۴- فجر: ۶-۱۴.

■ آمریکا از ظهور
اتحادیه‌ای
قدرتمند در اروپا
هراسان است،
لذا بریتانیا را به
عنوان ابرقدرت
اروپا مطرح
می‌کند تا به نوبه
خود به
کارشکنی‌هایش
در اتحادیه اروپا
ادامه دهد.

قدرتی آمریکا بایستد که اتحادیه اروپا و دولت فرانسه و آلمان و موضعگیری شجاعانه آن دو در برابر آمریکا در حمله به عراق - و ببرهای آسیا بیانگر بروز چنین قدرتی است:

اتحادیه اروپا: اتحاد و یکپارچگی اروپا از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یعنی تولد رقیبی توانا در مقابل آمریکا، به همین خاطر آمریکا از همان ابتدا توسط هم‌پیمان بی‌چون و چرایش «بریتانیا» به ایجاد موانع و خلق مشکلات بر سر راه اتحادیه اروپا می‌پردازد که یکی از آنها مخالفت بریتانیا با یورو «واحد پول اروپا» بود که بالاخره موافقت کرد.

آمریکا از ظهور اتحادیه‌ای قدرتمند در اروپا هراسان است، لذا بریتانیا را به عنوان ابرقدرت اروپا مطرح می‌کند تا به نوبه خود به کارشکنی‌هایش در اتحادیه اروپا ادامه دهد.

ببرهای آسیا: پیشرفت اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا که در میان آنها دو کشور مسلمان مالزی و اندونزی قرار دارد، آمریکا را نگران ساخته است، تولیدات این کشورها به علت پایین بودن هزینه تولید و حمل و نقل، در بازارهای کشورهای خاورمیانه رواج پیدا کرده است و درصد فروش کالاهای آمریکایی را پایین آورده است.

فرانسه: فرانسه یکی از قدرتمندترین کشورهای اروپایی است که به راحتی به خواسته‌های آمریکا تن نمی‌دهد و موضع‌گیری شجاعانه فرانسه در برابر آمریکا در مورد حمله به عراق، آن را برای رقابت با آمریکا مطرح می‌کند.

سنت «دست به دست شدن قدرت» نیز

خبر از پایان نظام تک قطبی می‌دهد

سنت دست به دست شدن قدرت، یکی دیگر از سنت‌های الهی است که سنت تدافع را تکمیل می‌کند؛ به مقتضای این سنت، خدای «الْمُعِزُّ» و «الْمُذِلُّ» نیرومندان را برای همیشه نیرومند نمی‌گذارد تا طغیان کنند و دنیا را به فساد کشند، و ضعیفان را برای همیشه ضعیف نگه نمی‌دارد تا

کردند و در آنجا بسیار فساد و تباهی به راه انداختند، سرانجام پروردگارت تازیانه عذاب را بر سرشان فرو آورد. به راستی که پروردگارت در کمینگاه است.

«ألم تترك فعل ربك بأصحاب الفيل ○ ألم يجعل كيدهم في تضليل ○ و أرسل عليهم طيراً أبابيل ○ ترميهم بحجارة من سجيل ○ فجعلهم كعصف مأكول»^(۱)؛ آیا خبر نداری که پروردگارت با فیل بانان (لشکر سوار بر فیل ابرهه) چه کرد؟ آیا نقشه آنها را سرنگون ساخت؟ و آیا پرندگان ابابیل را برای تنبیه‌شان گسیل نداشت؟ که با سنگی از سنگ گل آنان را می‌زدند. و آنان را مانند کاه جویده شده در هم کوبیدند.

سنت «تدافع» و پایان جهان تک قطبی

یکی از سنت‌های الهی در جهان هستی سنت تدافع است؛ به این معنی که عدل و حکمت الهی در مورد بندگان اقتضا می‌کند که نگذارد یک منبع قدرت سرنوشت آنها را بدست بگیرد و به زور حکم خود را بر آنان تحمیل نماید، بلکه خداوند ظلم گروهی را بوسیله گروهی دیگر و شر عده‌ای را بوسیله عده‌ای دیگر دفع می‌کند و شاید این عده عادل باشند یا مثل عده اول ظالم باشند، خداوند می‌فرماید:

«و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الأرض و لكن الله ذو فضل على العالمين»^(۲)؛ و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نکند فساد زمین را فرا می‌گیرد؛ ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان دارد.

«و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيراً»^(۳)؛ اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دفع نکند، دیرها، کلیساها، کنش‌ها و مساجد که در آن خدا بسیار یاد می‌شود تخریب و ویران می‌گردد.

بنابراین سنت تدافع ضرورتی برای دفع فساد از زمین می‌باشد و این رویارویی میان نیروها نوعی توازن را خلق می‌کند که ملت‌های ستم‌دیده و مستضعف از آن استفاده می‌کنند.

به مقتضای این سنت باید قدرت یا قدرت‌های نوینی ظهور نماید و در مقابل اقتدارخواهی و

شگفت زده می شویم؛ برای نمونه نخستین کلمه‌ای که زمین را به آسمان پیوند می دهد و هویت «امت» را مشخص می سازد کلمه «اقرأ» است؛ یعنی «بخوان». بر خلاف تورات که در آغاز از پیدایش آسمان‌ها و زمین سخن می گوید و بر خلاف انجیل که در آغاز از تولد عیسی علیه السلام سخن به میان آورده است.

وقتی که پنج آیه نخستین وی را که سر فصل برنامه زندگی مسلمانان را تشکیل می دهد بررسی می کنیم، شگفتی ما صد چندان می شود:

«اقرأ باسم ربك الذي خلق ○ خلق الانسان من علق ○ اقرأ و ربك الاكرم ○ الذي علم بالقلم ○ علم الانسان ما لم يعلم»^(۴).

با رجوع به حدیث حضرت عایشه (رضی الله عنها)^(۵) در می یابیم که سه بار جبرئیل می گوید: «اقرأ» پیامبر در جوابش می گوید: «ما أنا بقارئ» و چنانکه ملاحظ می کنیم «اقرأ» دو بار در متن آیات تکرار شده و یک بار کلمه «قلم» (آلت کتابت) ذکر گردیده و با ماده «علم» سه بار از علم و دانش سخن به میان آمده است که مجموعاً می شود شش بار، بنابراین ما امت علم و دانشیم، امت خواندن و نوشتنیم و وای به حال این امت اگر نخواند و ننویسد و به دنبال علم نرود.

اینک امت اسلامی نمی تواند بخواند و اگر بخواند نمی فهمد و درک نمی کند، نمی تواند بنویسد و با کمال تأسف کاری جز مصرف تولیدات مادی و فکری دیگران ندارد.

اینک مسلمانان از انقلاب اطلاعات عقب افتاده اند، همان انقلابی که دنیا را به دهکده‌ای کوچک مبدل ساخته است و مسلمانان را وادار می کند که در کنار پیروان ادیان و مکاتب مختلف، با ارزش‌های اخلاقی متفاوت که هیچ سنخیتی با اسلام ندارد، قرار بگیرند. اگر در گذشته می توانستیم انزوا اختیار کنیم و به دور از تأثیرات آلوده کننده دیگران، از دین و ارزش‌های اخلاقی خود حفاظت کنیم، به نظر می رسد که دیگر این کار ممکن نیست.

ناامید شوند و خدا را فراموش کنند. خداوند در این باره می فرماید: «و تلک الایام نداولها بین الناس...»^(۱)؛ و ما این روزهای پیروزی و شکست را در میان مردم دست به دست می گردانیم.

سنت تغییر

یکی دیگر از سنت‌های الهی در جهان هستی «سنت تغییر» است؛ به این معنا که خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی دهد مگر این که آن ملت، خود در صدد تغییر و دگرگونی خود برآید و ضعفش را به نیرو، فقرش را به ثروت و جهلش را به علم تبدیل کند و به سوی پیشرفت و ترقی گام بردارد، خداوند متعال می فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^(۲)؛ به راستی که خدا سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی دهد تا این که خودشان خود را تغییر دهند.

خدا رحمت کند علامه اقبال را که چه زیبا سروده است:

خدا آن ملتی را سروری داد
که تقدیرش به دست خویش بنوشت
به آن ملت سر و کاری ندارد^(۳)
که دهقانش برای دیگران کشت
اگر مسلمانان خواهان عزت و افتخار هستند باید در صدد تغییر خود برآیند، به اسلام برگردند و علم و دانش را فرا راه خویش قرار دهند و مطمئن باشند که پیروزی از آن آنان خواهد بود، زیرا از جمعیتی بالغ بر یک و نیم میلیارد نفر و منابع طبیعی سرشاری برخوردارند و همانا خداوند یار و یاور کسانی است که به راستی در صدد تغییر خود باشند.

اولویت‌های مسلمانان برای تغییر:

پس از ایمان به خدا و توکل بر او، اولویت‌های مسلمانان برای تغییر حول سه محور اساسی می چرخد:

- ۱- علم و دانش؛
- ۲- مال و ثروت؛
- ۳- حرفه و فن؛

۱- علم و دانش: وقتی ما به قرآن و سنت مراجعه می کنیم از اهمیت بیش از حد اسلام به علم و دانش

پس از ایمان

به خدا و توکل بر او، اولویت‌های مسلمانان برای تغییر حول سه محور اساسی می چرخد:

- ۱- علم و دانش؛
- ۲- مال و ثروت؛
- ۳- حرفه و فن؛

۱- آل عمران: ۱۴۰ ۲- رعد: ۱۱

۳- کلیات اقبال، ص: ۲۵۵ ۴- علق: ۱-۵

۵- صحیح البخاری، کتاب الایمان، باب بدء الوحی.

ماهواره، تلویزیون، اینترنت و حتی تلفن فرهنگ نامتجانس دیگران را به خانه‌های ما می‌کشاند، تهاجم همه جانبه به دنیای اسلام از دیر باز آغاز گشته است و در آینده نیز از لحاظ کمی و کیفی گسترش خواهد یافت و حامیان جهانی شدن بر دنیای بدون حد و مرز و عاری از هر گونه ضابطه اخلاقی اصرار می‌ورزند.

اگر ما مسلمانان می‌خواهیم که در دام جهانی شدن اسیر نشویم، نخستین گام در این راستا رو آوردن به علم و دانش به طور یکسان در همه زمینه‌هاست، باید همه چیز را درباره فناوری اطلاعات فراگیریم تا از این رهگذر از وابستگی ما به کشورهای پیشرفته کاسته شود، چون جهانی شدن باعث فاصله روز افزون میان «ثروتمندان اطلاعاتی» (کسانی که از مجموعه رو به رشد منابع و وسایل ارتباطی برخوردارند) و «فقرای اطلاعاتی» (کسانی که فاقد فن آوری ارتباطات و یا قدرت دسترسی به اطلاعات هستند) می‌شود.

۲- مال و ثروت: متأسفانه به علت عدم فهم صحیح برخی از آیات و احادیث جمع مال و ثروت در میان مسلمانان ضد ارزش شده و دنیازدگی در میانشان رواج پیدا کرده است، در حالی که منظور آیات و احادیث بندگی و حب دنیا، جمع دنیا از راه حرام، عدم پرداخت حق مشخص مال (زکات) و مصرف مال در راه غیر صحیح است و گر نه طلب روزی حلال، پس از فریضه نماز فرض است و بزرگترین آیه قرآن مسئله مادی قرض را نهادینه می‌کند و قرآن به ما نهیب می‌زند که دنبال نصیب دنیای مان برویم و آن را فراموش نسازیم: «ولا تنس نصیبک من الدنيا»^(۱)، و بر خلاف یهودیت و مسیحیت، مسلمانان در روز مقدسشان (جمعه) فقط با اذان نماز جمعه باید تجارت را رها کنند «و ذروا البیع»^(۲)، و وقتی نماز خوانده شد: «فاتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله»^(۳)؛ پس در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی و فضل خدا بروید.

وقتی که سعد بن معاذ انصاری به عبدالرحمن بن عوف مهاجر - که پیامبر اکرم ﷺ میانشان پیمان اخوت بست - پیشنهاد تقسیم اموال و حتی طلاق یکی از همسرانش را می‌کند،

عبدالرحمن بن عوف در جوابش سخنی می‌گوید که باید شعار ما مسلمانان در عصر جهانی شدن اقتصاد باشد: «دلونی علی السوق»؛ بازار را به من نشان دهید.

من دوست دارم که این سخن سنجیده یار با وفای رسول اکرم ﷺ را بارها با صدای بلند فریاد کنم، آن را برای جوان‌های با استعدادی که حیرانند و نمی‌دانند چکار کنند تکرار نمایم؛ ولی چه کنیم که اکنون بازار دنیا و اقتصاد جهان در دست یهود است، باید تلاش کنیم تا جای پای خودمان پیدا کنیم و معادلات جهانی را هم بزنیم.

قبلاً به ما می‌گفتند که حصیری در نزد خدا از یک آسمان خراش سنگین‌تر است و اینک ما با جرأت می‌گیریم که آسمان‌خراشی که از راه حلال ساخته شود و درست مصرف گردد از یک میلیون حصیر هم در نزد خدا سنگین‌تر است.

«...به راستی که مال سخن می‌گوید و صدای طلا همپای فریاد واعظ از پشت منبر و نعره عضو فعال انجمن و اتحادیه است... با حمالی در بازار شروع کن؛ ولی از نخستین گام تصمیم بگیر که در آینده سرمایه‌دار، بنگاه‌دار و یا مدیر عامل شرکتی شوی و به اذن خداوند به هدفت خواهی رسید»^(۴).

۳- حرفه و فن: متأسفانه ما مسلمانان ابزار و آلات پیشرفته را وارد می‌کنیم ولی به علت عدم شناخت این وسایل و ابزار و استفاده غیر صحیح، به سرعت از رده خارج می‌شوند که یا باید دوباره واردات را از سر بگیریم یا مبالغ هنگفتی را برای راه اندازی دوباره به تولیدکنندگان بپردازیم. اکنون بر ماست که به فراگیری درست این حرفه‌ها روی آوریم و تعمیر و نگه‌داری آلات و ابزار پیشرفته را بیاموزیم تا از آنها استفاده صحیح نماییم، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «ان الله یحب العبد المحترف»؛ خداوند بنده‌ای را که حرفه‌ای دارد، دوست دارد.

«ان الله یحب من العبد إذا عمل عملاً ان یتقنه»؛ خداوند دوست دارد که بنده‌اش وقتی کاری انجام می‌دهد آن را خوب انجام دهد.

آیا آمریکا بعد از عراق به کشورهای دیگر حمله

اگر ما
مسلمانان
می‌خواهیم که در
دام جهانی شدن
اسیر نشویم،
نخستین گام در
این راستا
رو آوردن به علم
و دانش به طور
یکسان در همه
زمینه‌هاست،
باید همه چیز را
درباره فناوری
اطلاعات فرا
گیریم تا از این
رهگذر از
وابستگی ما به
کشورهای
پیشرفته کاسته
شود.

۱- قصص: ۷۷.

۲- جمعه: ۹.

۳- جمعه: ۱۰.

۴- صناعة الحیاة، محمد احمد الراشد، نشر احسان، ص: .

خواهد کرد؟

آمریکا به برخی از کشورها حمله می‌کند و برخی از کشورها هم باید تغییراتی در سیاست‌های خود اتخاذ کنند یا آمریکا آنها را وادار به این تغییرات می‌کند. آمریکا به کشورهای مثل سودان، صومالی، افغانستان و عراق، که بعضاً ضعیف و بعضاً بهانه به دست آمریکا داده‌اند، حمله نظامی کرد و کشورهایی مثل سوریه و غیره باید از حمله به این کشورها درس عبرت بگیرند و دست به تغییراتی که مطلوب آمریکاست بزنند و گرنه به سرنوشت عراق دچار می‌شوند.^(۱)

تنها راه مقابله با آمریکا بیداری ملت‌هاست و بیداری ملت‌ها در سایه حکومت‌های مردمی و همانا مردم سالاری واقعی امکان‌پذیر است.

اسلام هرگز نمی‌میرد: چون اسلام نور خدا در زمین و آخرین پیام الهی است که توسط آخرین پیامبر ابلاغ شده است و بعد از آن نه پیامبری وجود دارد و نه پیام آوری، و خداوند حفاظت از این پیام را خود به عهده گرفته است: «إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون»^(۲)؛ به راستی که ما خود قرآن را نازل کردیم و ما خود حافظ آنیم.

آمریکا در صدد نابودی اسلام و خاموش ساختن نور دین و ایمان در زمین است، تا دنیا در کام تاریکی بی دینی و بی ایمانی فرو رود؛ ولی نمی‌داند که علی رغم خواسته کافران خداوند نور دین و ایمان را در زمین کامل می‌گرداند:

«یریدون لیطفثوا نورالله بافواهمم والله متم نوره و لو کره الکافرون»^(۳)؛ می‌خواهند با سخنان خود نور خدا را فرو نشانند و خداوند علی رغم میل کافران کامل کننده نور خود است.

تاریخ شاهد است که زمانی مغول‌ها به جهان اسلام حمله کردند، آبادی‌ها را ویران نمودند، مسلمانان را به خاک و خون کشیدند و مثل آمریکا، «پایتخت خلافت عباسی» (بغداد) را اشغال کردند و «دار الحکمة» (کتابخانه و موزه بغداد) را غارت نمودند و دشمنان کار اسلام را تمام شده حساب کردند ولی اسلام معجزه کرد و بر خلاف جریان تاریخ، فاتحان مغول، دین شکست خوردگان مسلمان را پذیرفتند و مثل ملت‌های دیگر در بنای ساختمان اسلام شریک شدند.

تنها راه مقابله با آمریکا بیداری ملت‌هاست و بیداری ملت‌ها در سایه حکومت‌های مردمی و همانا مردم سالاری واقعی امکان‌پذیر است.

«... ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصراً كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا و اغفر لنا وارحمنا انت مولانا فانصرنا على القوم الكافرين»^(۴).

○●

۱- و این تداعی کننده قصه شکار شیر و گرگ و روباه است که مولانا در مثنوی آورده است:

شیر و گرگ و روبه‌ی بهر شکار
رفته بودند از طلب در کوهسار
گاو گوهی و بز و خرگوش زفت
یافتند و کار ایشان پیش رفت
گفت شیر ای گرگ این را بخش کن
معدلت را نرو کن ای گرگ کهن
نایب من باش در قسمت گری
تا پدید آید که تو چه گوهری
گفت ای شه گاو وحشی بخش دوست
آن بزرگ و تو بزرگ و زفت و جست
بز مرا که بز میان است و وسط
روبه‌ها خرگوش بستان بی غلط
شیر گفت ای گرگ چون گفתי بگو
چونکه من باشم تو گویی ما و تو
گفت پیش آ ای خری کو خود خرید
پیشش آمد پنجه زد او را درید
بعد از آن رو شیر با روباه کرد
گفت این را بخش کن از بهر خورد
سجده کرد و گفت کاین گاو سمین
چاشت خوردت باشد ای شاه زمین
وین بز از بهر میان روز را
یخنی باشد شه پیروز را
و آن‌دگر خرگوش بهر شام هم
شبحره ای شاه با لطف و کرم
گفت ای روبه تو عدل افروختی
ایسچنین قسمت ز که آموختی
از کجا آموختی این ای بزرگ
گفت ای شاه جهان «از حال گرگ»

۳- صف: ۸.

۲- حج: ۹.

۴- بقره: ۲۸۶.